



ساختار قدرت و ارتباط آن با معماری در دوره پهلوی اول

فهیمة یاری^{1*}، سیدامیر منصوری²، گلناز کشاورز²

1- پژوهشگر دکتری معماری پژوهشکده نظر و مرکز تحقیقات راه و مسکن (Email: yari.fahim@gmail.com)

2- دکتری معماری، پژوهشکده نظر (seyedamir.mansori@gmail.com)

3- پژوهشگر دکتری پژوهش هنر پژوهشکده نظر (Email: golkesavarz@gmail.com)

چکیده

تحولات سیاسی و مفهوم قدرت یکی از موضوعات تحلیلی مشترک میان معماری و علم سیاست میباشد. به نظر می رسد نقش سیاست، قدرت دولت، دموکراسی با معماری پیوند محکمی خورده است، بدین معنا که معماری بواسطه قدرت ارتباطی فوق العاده اش می تواند، برای مقاصد سیاسی، اجتماعی و هویتی استفاده شود. تحولات سیاسی که به پشتوانه قدرت سیاسی شکل میگیرند در معماری اثرات مشهودی را دارند. این اثر گذاری بنا به ماهیت ساختار قدرت و مقتضیات زمان می تواند متفاوت باشد. دوران پهلوی اول بواسطه تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی در ایران از شاخص ترین دوره های تاریخی ایران می تواند در نظر گرفته شود. این پژوهش به بررسی این ارتباط دوسویه بین معماری و ساختار قدرت در دوران پهلوی اول می پردازد. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیلی است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه ای، اسنادی و مشاهدات میدانی است.

در دوره پهلوی اول ملی گرایی و نظامی گری رضاشاه مهمترین گرایشات ساختار قدرت بودند این دو گرایش شکل گیری سبک ملی و حجم بالای فعالیتهای ساختمانی در اثر روحیه نظامی گری رضاخان راسبب گردیدند. رضا خان توانست از معماری به عنوان ابزاری برای بیان ساختار قدرت خود استفاده نماید و با تاکید این موارد بخصوص در معماری دولتی حضور قدرت غالب و تفکرات سیاسی خود را بر کشور القا نمود. معماری در دوره پهلوی اول کاربردی ترین ابزار برای بازنمایی این تحولات گردید.

واژه های کلیدی: سیاست، قدرت، معماری ایران، پهلوی اول، رضاشاه.

1- مقدمه

معماری شهری پتانسیل انتقال پیام به توده مردم را داراست (Jencks, 1997). معماری قادر به بیان معانی اجتماعی و ذهنی از جمله بیان اعتقادات مذهبی و عمل سیاسی جامعه از طریق شکل بصری و فیزیکی اش است (Rappoport 1990; Vitruvius 1991; Morris 1998). بسیاری از بناهای شاخص و نشانه های شهری دارای ارتباطی مستقیم با تفکر غالب رژیم سیاسی دوره خود هستند. طراحی شهری و سبک های معماری به عنوان بازتابی از پروژه سیاسی یک حکومت قابل قرائت است. ساختمان شهری پایتخت، یکی از مکانیسم های کلیدی است که حکومت به وسیله آن تفکرات خودش را نمایش میدهد، قدرتش را تولید می کند و اقتدار و صلاحیتش را مشروعیت می بخشد. ازین رو می توان به ساختمان های شهری شاخص در پایتخت ها به عنوان نشانه ای از سیاست توجه نمود. هنر همواره امری تحت تأثیر مستقیم سیاست و در ارتباط با آن بوده است، اگر هم صدا با هانا آرنهت بپذیریم که رابطه ناسازگار حقیقت و سیاست تردید ناپذیر است، باید از نقش معماری